



از نگاه
فریدون
ایل بیگی

m.ilbeigi@yahoo.fr

نوشته های سیاسی

توضیحا بگویم : قصد من ، نشر نوشته های فریدون است و نه « تبلیغ » برای این و آن سازمان و تشکیلاتی - که سالهای سالست که وجود خارجی ندارند و گناه من نیست که نوشته های فریدون در این نشریات آمده اند ؛ او به راه خود می رفت و منم به راه خودم و همیشه و در همه موارد با هم موافق نبودیم . به نظر من ، هنوز هم ، امروز ، خواندن نوشته هایش عبرت انگیزست و قابل استفاده . م. ایل بیگی

"احکام اسلام" یا تلاش برای استحکام حکومت آخوندی

صفحه ۷

شماره ۱۰۸

رهائشی

"احکام اسلام" یا تلاش برای استحکام حکومت آخوندی "بندج" ریسمان پوسیده ای برای بندبازی جدید

چند روز قبل از فتوای ناگهانی اخیر خمینی زمینه سازی ها شروع شد و برای چندین بار « موضوع بندج » در دسترس خلعت ها بلندگوهای ریزه فواری گرفت . روزنامه های وابسته و دستگامهای تبلیغاتی و نهاد های به اصطلاح انقلابی بتکبار دیگر شروع کردند در زمینه مشکلات کنایه و زری و ضرورت برخورد " انقلابی " با ندادن سخن دادن و از مردم و روشنفکران در این زمینه نظرخواهی کردن . جمله ای که های رژیم سلب گان جنس شوروی اسلامی (نظیر حجت الاسلام بهاری ، سید بنده می ساری و روحانی نظیرند می در فوکل) و مسئولان " نهاد های انقلابی " (نظیر " مشور " مسئول مراکز خدمات روستایی در رجا) سازندگی و غیره) ، بعنوان دلگهان قبل از آغاز زبانی برای مبرکه گردانی بر روی صحنه ظاهر شدند و حواسنا را " اصلاحات ارضی اسلامی " گردیدند .

نظای اصلی در روز ۲۰ مهر ۶۰ با چاپ استفتاء هاشمی رفسنجانی ریشی محسن شوروی اسلامی و چاپ فتوای تاریخ ساز " امامت " در رهساز دور بروی صحنه ظاهر گردید . و معلوم شد که آن مقدمه جینی های چند روزه بهی دلیل نبوده است . یک جوانند می عادی که استفتاء و فتوای را کجا در روزنامه " ۲۰ مهر " خوانده باشد ، چیزها دید دستگیرش نمیداد ، فقط بقول یکی از سرداران رژیم به توضیحی بی مبرود که " حکومت الله از هم جدا رسد شده است " .

جوشنا به صافچه های نیمی در این حضرات آیات و حجاج الاسلام در روزنامه ها و نیز بر مقاله های روزنامه های مزدور رژیم در تمسیر فتوای تاریخ ساز " امامت " که می برد و ها را کتا رسد و معلوم میشود که صبه بر سر یکی از خادان و وحیم ترسین مسائل مربوط به " احکام حدیثه ناید پروا بد اسلام " بسا " استغفار و استحکام حکومت آخوندی " است . روشنفکرانیکه با کلام خدا (قرآن) و کلام پیغمبر (سنت) و قول فقها " احکام اولیه " را باید در کوزه گذاشت و با برای نجات حکومت آخوندی باید به کلاه شرعی " احکام ثانویه " متصل شد . وقتی قصبه را از طرف " مد رسین " حوزه های علمیه می تم و علمای اعلام سرکسار کشور به این شکل روشن مطرح نمود (اطلاعات ۶ میسر ۶۰) مشخص میگردد که مسئله جدی " سرزوبت ساز " است .

از همان روز ۲۰ مهر ۶۰ مزدوران رژیم در روزنامه های وابسته شروع کردند به توجیح این کلاه شرعی بند باضد اسلامی و " تمسیر فتوای امام " . مبارزات های اطلاعات که سر مقاله های سه روز ۲۳ تا ۲۴ مهر مجرد راه " تمسیر " و توجیح " فتوای امام " اختصاصی داده است ، لازم دانست که در همان روز ۲۰ مهر ۶۰ گردا گرد ، به همراه چاپ متن استفتاء رفسنجانی و فتوای خمینی ، توضیحی در رهساز می بخشد :

حاصلی کلام اینست که بر اساس احکام اولیه اسلام یعنی مرسخا از کتاب (قرآن) و سنت (کلام پیغمبر) استخراج شده ، مالکیت فردی . . . محترم بود هر طبعی اما مالک افراد چه زمین باشد چه سنگ چه اموال و املاک و حصص شروع دیگر نمیتوان به هیچوجه کلا یا جزا صادر کرده به نام خود را " احکام حدیثه و زری " ، تا کتا زبانی مفهوم روشن عبارت قوی که تاکنون لایتنانی میشد (اینست که : در اسلام ثابت و در اسلام راستین یعنی اسلامی که صریحا و مستقبا از کلام خدا و پیغمبر استخراج شده ، مالکیت خصوصی چه در زمینی زمین مسکن و اموال و املاک و غیره ، بهر بعد از و میزان ، تا قبل احترام و حقوق بل اعتبار است . روشنفکرانیکه اگر کسی در دنیا هزار رهکنا زمین ، صد ها خانه و دنیا کتا بخانه ، ملکارها ثروت داشته باشد ، بنابه تصریح کتاب و سنت ، سبب از آنها را " به هیچوجه کلا یا جزا صادر کرده " و ما سه سوری را نداد " محدود کرد " . این احکام اولیه اسلامی ثابت (غیر لاطنی) و راستین است . بنابر این و اگر کسی بگوید که اسلام راستین (یعنی اسلامی) که از قرآن و سنت و پیغمبر منابع یعنی کلام خدا و پیغمبر مستقبا استخراج شده ، باشد ، در این زمینه ارا ن بزرگ و سردا به دارا بزرگ است و نه " مدین حاشی مستضعفان " ، بر روی یک جمعیت انکار باید برانگشت گذاشته و به هیچوجه چندی نودین با شهت ندارد .

و اگر استعزاز الله توین با آنها می واقع شده باشد ، باید گریبان مد روزنامه های اطلاعات ، برگزیده می امام در اطلاعات و نظایند مجلس شورای اسلامی یعنی حجت الاسلام دانی را گرفت . باید گریبان سببنا سترین آخوند های رژیم جمهوری اسلامی نظایر منتظری و مشکینی و دستخیزه طاهری ، آذری قمی ، اشرفی اصفهانی ، موسوی شیری و هاشمی رفسنجانی ، ریانی اطنسی و سایر رهسازین گان معمم و غیر معمم مجلس شوروی اسلامی " مد رسین جزوی علمیه می تم و علمای اعلام سرکسار سرکسار " را گرفت که (خوشبختانه امروز دیگر نیازی به هیچ گونه پرده پوشی ندارند و نه با کسی تعارف و آنچه را علمی فرنها مخفی میکردند و عمل واروه میزدند ، امروز اشکارا دیدین و اوجه به زبانی می روند) در ظرف همین چند روز اخیر را علقه ها و مساجد های خود و زمینها و توجیح روشن " احکام اولیه " با این حال به توجیح " قرآن " تاریخ ساز امام تبراهتند . در این حال ، مسئولین پیش می باید که با وجود صراحت کلام خدا و پیغمبر یعنی بر محترم و نامحدود بودن ثروت و اموال ، خلاص اصل " ما نزل الله عز کرد بطور روشن مسامحی اطمینان و کلیسنا آیت الله ها

و حجت الاسلام های نامور و در فوق در تفسیر فقه فتاوی امام خمینی (علیه السلام) است و کلام شریف آن " احکام ثانویه" است. مفهوم بسیار روشن این " جواب مثبت" اینست که اگر ضرورت ایجاد کند، قرآن و سنت یعنی احکام اولیه، وقت نماز نرسد و فتاوی مجتهد جامع الشرایط و فقیه یعنی احکام ثانویه" میباید جایگزین آنها شود. با این اعتراف حائمی و مؤلفان در این دست آورد بسیار بزرگی است که میباید برای آگاهی داد نبیه نبود و ما مورد استفاده قرار گیرد و توده های که قرن ها توسط مؤلفان در برهه آنها دروغ گفته شد، مورد تحمیل قرار گرفتند و استنطاق شدند و امروزه حکم ضرورت توسط مؤلفان متولیان در این اعلام میشود که:

- ۱- احکام اساسی اسلام یعنی قرآن و سنت " صریحا" حائمی زمینداران بزرگ و سرمایه داران بزرگ است نه ایداعطردار و زحمتکاران یا " مستضعفان".
- ۲- پایهای اساسی در برابر احتیاج آب خوردن میباید نماند و گرهت. چرا که پایه های بیابان برآب بنا شده است.
- ۳- برای کمونیستها نمیکوند، این را چهارده فرزند از فرزندان و صد و نهم احکام اولیه " فقیه" " مجتهد جامع الشرایط" " ناآب بر حوائج عام زمان" " ولی امر" " امام امت" " بیباد" گذار جمهوری اسلامی، " حقیقت شکن" میگوید. باید این دست آورد های ارزنده را پاساده ترین عمارات و به گسترده ترین شکل ممکن، به میان توده برد.

بازی قبل از اینکه تعریف احکام ثانویه را در تفسیر فتاوی امام خمینی (علیه السلام) در روزنامه ای اطلاعات، ۲۰ مهر ۱۳۵۷، یک نکته را بعنوان معترضه بطور گذرا عنوان کنیم: افراد و نبردهای مستلزم نظیر بازرگانها و شریعتیها، بنی صدها و بویژه میاهدین و مسلمانان دیدن اینکه راه و فرم از طریق توضیح صریح و تفسیر فقه قرآن و سنت، بعد و است اگرچه " دگم نبودن اسلام" (جمعی همان طرز عمل ثانویه " حقیقی" " تمسک شریعت" " صد روحانیت" " صد اسلام" " منافق" " انظاطی" " اندک" ولی اگر دگم های مدعی از طرف بنیانگذار جمهوری اسلامی، در فتاوی خود تحت عنوان جلوگیری از " عداوت" " اختلاف" " نظام" جمهوری اسلامی با رفع " خرج" " زحمتکاران" " شکسته بود" این فتاوی هر چند مخالف معارف صحیح احکام قرآن و سنت باشد، با رعیل نماییست و در فتاوی در مجلس شورای اسلامی، " سیه های صفر فقه است". (گنجان ۲۵ مهر ۱۳۵۷)

اما تعریف احکام ثانویه را از زبان روزنامه ای اطلاعات بشنوییم: " با بیرو حائمی سرشناس نامور و در مورد مواضعه های اخیر خود، گاه ناگهانی متذکر و بی همواره عین همین تعریف را بدست داده اند. " روزنامه ای اطلاعات، در تفسیر " فتاوی امام" " بی ازشیح احکام اولیه" [کمد رفیق نقل شد]، اضافه میکند: " اما مجتهد جامع الشرایط و فقیه" " شریعت" " هرگاه با شرایط و اوضاع و احوال جدیدی مواجهه شد که حکم جدیدی را اقتضا کرد، میگرد به تشکیلات توده بینه " عمل ثانویه" یعنی فقه و عوامل و شرایطی که حد باید بداند و مناسب

بماند. - - - چهاره حویی کند و احکام با دستورا عمل با طرحیای (و اولیاد قرآن و سنت) را به اجرا بگذارد. اکنون امام با اشاره به همین مطلب (احکام ثانویه) است که به مجلس اختیار میدهد تا آنچه انجام دادند، با ندادنش موجب اختلاف و نظام جمهوری اسلامی با "مسئله" احتیاجی باید بداند " خرج" یعنی تنگنا و مشکل سخت خواهد شد. . . . تصویب کرده و به اجرا گذارد. " (اطلاعات ۲۰ مهر ۱۳۵۷)

اما فقیه " تصویب اکثریت مجلس" که در فتاوی حقیقی آمده، چیست؟ مگر تاکنون لایحه و قوانین توسط اقلیت مجلس تصویب میشد؟ نه، داستان چیزی دیگری است. حقیقی که معمولاً با میانه و فقه میانه چیز است و حرف میزند، فتاوی حیرت و ارتباط مصلحت بزبان بسیار فقهی یا بسیار علمی نوشته است که نه تنها یک خواننده معمولی بلکه حتی بسیاری از روحانیان باسواد و فقهی تا آشنا با بیچ و خم های شرا خودی و سبازان چیزی سرد رتبا ویند. حوضخانه سرسبزگان و ولایت فقیه و در همین مدت کوتاه چند روزه، در شرح و تفسیر هر کلمه و کلمه اصطلاح و هر عبارت فتاوی حقیقی، مقاله ها نوشته، سخنرانیها کرده اند و در نتیجه، هر خواننده ای که نگاه و عادی از آرزوی آن نوشتن مواضعه ها و سخنرانیها، به چند و چون خصمه بی سپرد.

همین اکثریت مجلس" برای بداند اول معیاری است که طایفه در رشتت برد. بی مرکزیت در حقیقی معنی معنای شریعتی است با سایر بربرگریدگان جمعی در دستگاه مقننه و مدیره بصورت حاد در بیان داشته. شریعتی نگینان و نهادی که پس از ولایت فقیه، ارتجاعی ترین نهادها در نظام اسلامی است، با تأیید و قوانین پیشنهاد و تصویب شده توسط سرسبزگان رژیم جمهوری اسلامی به مخالفه برجاست و عملاً در مقابل حکومت ولایت فقیه استاده بود. طرح های نظیر " بندج" " اراضی شهری" " مالکیتها" " حدید" " ملی شدن بازرگانی خارجی و غیره، با وجود " تصویب اکثریت" معنی برانضالفت" شریعتی نگینان" روی دست دستگاه میباید اجرا می شود و باید بود و عادی با علم به مخالفه شریعتی نگینان" " اوضاع آنها در مجلس خودداری نکرد. فتاوی خود بد حقیقی و تا صریحاً بداند در روسی خاکسته، به ظاهر " مکه سب و یکبار" و نود هسردن سه سرگردگان خود جمعی معنای شریعتی نگینان" " گفتار این مطلب است که نظام "نگه احکام ثانویه" یعنی گام خدای و بحسب در مقابل باره ای فرم های دینم بند که مصوبه احکام آنهاست، هستیم، ایستاده اند و حالیکه علم را بد می کنند چون من شعار انتحار کرده ام که از دستورات و احکام مناعت گسد.

حال ببینیم که شریعتی هوان ارتجاعی نگینان چه قدر بسیار اساسی و تعیین کننده ای در قانون اینها می باشد جمهوری اسلامی دارد: " شریعتی نگینان" طبق اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی: " به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون"

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

اساسی از نظریه عدم مفارقت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها

تشکیل میشود. طبق همین اصل، شورای نگهبان دارای بد زده مصوبات که مغز آنها از میان فقهای عادل و آگاه بسنه مفتضات زمان و مسائل روز تمسین میشود و انتخاب این عده پارهبه شورای رهبری است و نفرد بگرارعیان حقوق داتا نسلطه بوسيله شورای عالی قضایی به مجلس شورای ملی معرفی میشوند. در رجا پها یا خیرط نون اساسی جمهوری اسلام می که توسط رژیم انجام گرفته، مجلس شورای اسلامی همجان "مجلس شورای ملی" است.

اصل ۹۳ تصریح میکند:

"مجلس شورای ملی بدین وجود شورای نگهبان یا عضو قانونی ندارد"

طبق اصل ۹۴:

"کلیه مصوبات مجلس شورای ملی باید به شورای نگهبان فرستاده شود"

بنا به اصل ۹۶:

"تشخیص عدم مفارقت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان است."

بالاخره اصل ۹۹ میگوید:

"تصرفات قانون اساسی شورای نگهبان است"

بظوریکه ملاحظه شد، شورای نگهبان با احتیارات عظیمی که قانون اساسی جمهوری اسلامی در اختیارش قرار داده و همسر صومهی اکثریت مجلس را میتواند فاعده هرگیزه اعتبار بداند، شورای موقر و رتعی نگهبان که بعنوان ترمز و سرعاله بجهت روزنامه های اطلاعات (۳۱ مه ۶۰) بعنوان منکم کاری در زمان شد رویها یا حقتانی آند می اکثریت مجلس و باز بقول همان سرعاله نویسنده "مجلس جنگ سیاسی و جنگ تصمیم شده" در قانون اساسی جمهوری اسلامی بهتر بینی کرده بود و در آن کرد پ رژیم شد و صدای "نعم سرایا" را بنید کرد و است. این سوزا بروز رقاب کل رژیم استاده است و صوبکات مجلس شورای اسلامی در مورد پاره ای زرمها شیرا که رژیم خود را جمهوری اسلامی میپندد، ما هه است که به تعویب باید حته و از احتیارات بسیار اساسی نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی و اختیار عظیمی که این قانون در اختیارش میگذارد، عظیم عدم مفارقت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام و از نظرا طمان با معاری اسلام و عمده جنوگیری بعمل میآورد.

سرعاله نویسنده اطلاعات، مسئلهی حد بد حکومت الله را، هر چند کم و بسز سر بسته ولی در هر حال قابل فهم، شناسان میکند:

"... اما انگالی که بعضا در همین رابطه بد بد میآید این بود که برخی از مصوبات مجلس یعنی آن چه بمنظور اداره قانونی کشور و حل مشکلات مهم اجتماعی... تنظیم و سپس با اکثریت آراء تصویب میشود از رجا تری مورد مخالفت شورای نگهبان قرار میگرفت. بر این باوریم و اطمینان که چند مار هم نگزارشد و وضعیت نگران کنند، ای بد بد آمد. دست مجلس و نتیجتا دولت و ارگانهای اجرایی واداری... بسته شد."

روزنامه ای اطلاعات ادامه میدهد و قیانی که:

"برای طری مرا حل قانونی است به شورای نگهبان رفت، شورا با استناد به ادله و موازین و احکام اولیه ای اسلام... بعضی از موازین و ادله را که اعتقاد بهتر بر آن موازین نیز بود، تا حدودی میتوانست حلال مشکلات باشد، مفارقت مخالف موازین شرعی دانست. بدین ترتیب لایحه نصفه شد و نصی از آن باقی ماند، آنهم نصف اول یعنی لا"

سرعاله نویسنده اطلاعات تمدد امر را موش میکند که بنویسد طبق نص صریح اصول ۹۱ تا ۹۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی، فقهای مرتجع شورای نگهبان در قیاط و شبهه دارند که چنین کنند. فقهای مرتجع مجلس خبرگان که گزرت کرده پاره کردند، اگر در ای شعور میداشند، میبایست نهاد موجودات آسمانی و واقعیتهای سخت زمینی را میدیدند. وگرنه کمیونتها در همان وقت از همان اول گفته بودند که رسیدن به حکومت صدر اسلام و ایجاد یک جامعهی صدر رسد اسلامی در جامعهی سرمایه داری امروزی، از حیطه حقیقتات مطلق است. چه شکست تحقیر آمیزی از این بزرگترین جسمی که بالاخره در دنیا یا خیر خود محصور شده است که با زبان الکن فقهی اعتبار کند که احکام اولیه یعنی قرآن و سنت امروزی را حکومت کردن، نه تنها ناکامی بلکه دست و پاگیر و فلع کننده است. تبدیل به خس و خاشاکهای "طل قانون" اعتراض به شکست رویه های حقه نهی جسمی است که به خاطر آنها، این همه ویرانی بار آورد و این همه خطایات مرتکب شد و میشود. این تجربه باید درسی باشد برای کسانی که تضاد آشتی ناپذیر رویها و با مصوبات و ضرورت حدایی بین سیاست را همین میپندند. همینان در تارهای ذهنیات خود ردانی اند بهم چنانرا زینه اصطلاح "اسلام راستین" و جمهوریید موکرا شک اسلامی سخن میگویند.

سرعاله نویسنده اطلاعات مصوبات از ابتدا این مطلب خید داری کند که:

"البته همان نظریه که (در زمینه احکام اولیه) اشاره کرد به کارشوران نگهبان در رودها و تانده ها، بحساب و کتاب نبود و مستند به ادله شرعی و موازین فقهی بود."

بازر است که ارفعل خط سرعاله نویسنده این است که:

"کاروکلاهی مجلس بر بحساب و کتاب بوده و آنهم حشکی به دلائل و موازین همه اسلامی (احکام قانونی) بود."

در این بحساب و کتاب نبودن ها و مستند به ادلهی شرعی و منکی به موازین همه اسلامی، معلوم کنید، قسمه "اسلام راستین" را.

حلاله است که، خمینی برسد و راهی "اجرای دین احکام اسلام" و "رفع حرج یعنی حرج از تنگنا" قرار گرفت. بکار دیگر مانند بسیاری موارد دیگر، قانون اساسی و تعاملی جمهوری اسلامی خود را لگد مال و آنرا پیش ازین به ورق پارهای بوزارش تبدیل کرد است.

آیات نظام نظیر و میبنداری، فمی و شورا ی، گلبا بگانی و غیره را که مخالف لواج شد اسلامی خمینی هستند اگر بتوانیم بر احتیاسی غصا موش کرد و لسی

درباره مخالفت شورای نگهبان که بمنظور پاسداری از احکام اسلام (اصل ۹۱) تشکیل شده و از ارکان اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی به حساب می آید چه میتوان کرد؟
با توجه آنچه گذشت، مفهوم و تفسیر نوسیل به اکثریت مجلس در مهارت زیرفتوای حجتی در جواب به استفتای هاشمی رفسنجانی و روشن میشود:

"اکثریت نوسیل مجلس شورای اسلامی ... مجازند در تصویب و اجرای آن (یعنی تصویب و اجرای قوانین) که فعل یا ترک آن موجب اختلال در نظام میشود و آنچه ضرورت دارد ... مانع عمل یا ترک آن مستلزم حرج است) ."



ریشخند تاریخ یکبار دیگر متجلی شد و اینبار رگبیران خمینی را گرفت: کسی که با تکیه می کرد به احکام اولیه اسلام با اصلاحات ارضی شاه مخالفت میکرد و در اعلامیه های خود (در کتابت اساسات نظام مخالفان امروزین) آنرا "تخلف از احکام اساسی اسلام" و "خدا اسلام" صداقت، با مریضی بخشی از توده های ناآگاه که از گام های زیرینیم گام به اطلاعاتی نداشتند و به همراه شریعتخواه اری ها، ضی ها، گلباگانی ها، بهبهانی ها - آخوند درباری معروف - خیاباناری ها، فلسفی ها و غیره میسرود، استفاده از احساسات مذهبی و ضد رژیم مردم با جزای آن برخورد را پیراه انداخت و هزاران تن از توده های ناآگاه را بگشتن داد و امروز همان آیات عظام و مهمترین اینکه فقهایی خود گذاردی شورای نگهبان را در مقابل اصلاحات ارضی اسلامی خود دارد. اگر رژیم شاه از این ریسک (و از همه چیز اسلامی "حرج" یا "حرج" از تنگنا) به مایل بود انگیزه ای (و از همه غیر اسلامی "فساد" و "اختلال" در نظام) متوسل میشد رژیم حجتی نیز برای و نورمهای آید بود می خود به همان دلیل و مایل متوسل میشد و ما باید بسیار ربا رسته های دیگر (از جمله ما با ما و سرکوب نیروها و انقلابی و غیره) به نحوی عمل میکند که گوئی شاه مرتجع تقلید حجتی است.

روزی با ت اطلاع شریعتخواهی، فقی (همینند حجتی) در زندان حضرت آقا در بی ازین (خود اید ۶۲) گلباگانی، ملاسسی، محلاتی و غیره علیه اصلاحات ارضی شاه متحد گردید و در اعلامیه های خود، آنرا "تخلّف از احکام اساسی اسلام" صداقتند. حجتی در مقابل انقلاب از لایه رگبیران "اصلاحات ارضی اسلام" انقلاب "انزوا نیست" و "به دستگاه جاریه" اعلام خطر میکند و "نگرانی" خود را در مورد "انقلاب اریایی" که آنرا "و قبحانه" انقلاب سما" میخواند، اعلام میدارد و با همین طبعاتی خود راه ریشخندی بنمایش میگدارد:

"ما بی عهد و پیمانیم معی سلیمین علی اعلام میکند تا مستحق را از خطرهایی که برای قرآن و مملکت در پیش است آگاه کنیم. من بعد دستگاه جاریه اعلام خطر میکنم. من بعد ای شمالی را از انقلاب سما و انقلاب آری

با این نگران هستیم" (روحانیت اسلام اساسی مید ندارد. تاکیدها را اعلامیه حجتی است).

شان نزول احکام ثانویه

وشکستن دگمهای ضد اسلام

آخوند های دهات و عمال رژیم در حجاب سازندگن که نهض روستاها را در دست دارند، "چشم و گوش" رژیم در روستاها هستند به حکومت اسلامی فشار آوردند که ما پد به مسئله ارضی و وضع اشغالگری روستاها توجه کنید. روستا ثانی را که ربا آگاه ترس بخش توده ها و مهمترین پایگاه حکومت اسلامی میشدند شبی نهایت سینوا را یک مشت شعارو تکیه بر باورها می زدند و آنها به پشتپانیا رژیم یاد داشتند. سینوا عملاً زنفون الهیا و زمینداران بزرگ حمایت کرد و در ضمن حال مطالب پشتپانیا زمینسگداریها "مصطفیان" روستا بود. "مشول موا کرخند مات روستا می در حجاب سازندگن" در روزنامه های اطلاعات مورخ ۲۰ مهر - عصر بحال اعلام داشته بود:

"اگر لایحه های اصلاحات ارضی اسلامی اجرا شد با در مراکز خدمات باید به مالکان و مشولان آنها خدمت ارائه کنیم."

رژیم ولایت فقیه، برای حفظ این پایگاه نظر سرمد که مجدداً در اشیا زاتی هر چند ظریفه روستا ثانی بدهد. اگر چه دست و پا ل حکومت آخوندیها احکام اولیه ای مزاحم نیست میباشد ولی از همان آغاز تا کمیت به اهمیت کار در روستاها پی برده بود. جهاد سازندگن در روستاها فقط حدود نساخت، برای طلب خدمات سنتی روستا ثانی، اسرار و آسما و حمام و مدرسه، حاد، بل و غیره تیرساختند.

رژیم علاوه بر سرکوب و کشتار روستاها با غلابی و د موزکرات، گذاشتن تکوین اساسی در تبلیغات مداوم خود در روزنامه های وابسته زیاد و پوستر بزرگ و غیره میساختند. در ضمن جان میکنند مغر خود ثابت کند که رهبری معاهد ضد امیرالسلطنه سید (یعنی تویجا طرفدار سرمایه داری است) و ولی کشتارهای حفاظتگرایه، اقدام های هر روز به تشییفات بی وقفه، پیسه تسبیحی گن میسود. رژیم به همراه آنها میساخت پایگاه مال فیه و آس حیدر و بوزیا ری، موزکرات را از سرزمین شان در آورد.

مخاهد بر پایگاه تا کمین در روستاها فعالیت معده ای نداشته اند و بیشترین توجه را به کار در میان خود و بوزیا ری شهری مضموم کرده اند ولی روستا ثانی در رهبران و درآمده مهمترین پایگاه توده ای آنها را تشکیل خواهند داد. رژیم جمهوری اسلامی با پی بردن به این نکته، در وقت گذر کنار سرکوب فیزیکی میساختند و تشییفات مداوم علیه آنها با نام با اقدام اصلاحات سیم بند نظیر بند "ا" و "ب" ارضی شهری، تمدن بل ثروت، طس کردن تجارت خارجی و غیره (هما مشوریکه گفته ایم رژیم سبای گزافی برای آن برداخته یعنی منکومیت فدا کردن احکام مرتجع قرآن و سنت را جان خرید) و بر پای میساختند و با خائلی کنند و بسا ربا رهزود آرا

مبارزه با امیرالایسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

کلیج و سهولت آنها (بویژه پس از رفتن روحی به همراه بنی صدر به پاریس) اما «مبتنی» با او، چشک زد به غرب بویژه سوئدالند، مولکراسی اروپا، اعلام فهرستی «ما رژیم مسلحانه» با رژیم یعنی نفخا رها و تئورها «اعلام رسمی سرکونی رژیم» در این ماه و حتی طرف چند روزی «بند» و بعد «...» را بطرف خود بکشند. تردید نیست که اصلاحات نیم بند اشاره شده در موفق نه تنها برای رفورمیستها و اپورتونیست ها ی خود، ای و اکثریتی بلکه برای بخشهای رها در آن ساهد بین نیزگرمای خاصی دارد و حتی ممکن است بعضی از کمونیستها همیشه کلیج را باز در چارمگر بجه کند. این خطری است که از هم اکنون نیروهای انقلابی با افشا ماهیت این رفورم نیم بند، باید بدان توجه کنند.

ما در ریشه های آیتدیه رهائشی ملی مطالبی به ظاهر دست به نقد ترین رفتم های جامعه رژیم یعنی بدخ و «لا یحسبه اصلاحی» بدخ (که برای تحلیف رسایت زهداران بزرگ به بند ح الحاقی شده) را مورد بررسی قرار خواهیم داد و خواهیم دید که اصلاحات ارضی اسلامی نه تنها خواستهای واقعی ربحگشتکاران روستا را برآورده نمیکند، نه تنها هیچ یک از مشکلات کشاورزی ایران را حل نمیدهد بلکه پیشگامی گناه روزی ایران و آستانگوانی به خارج را تسریع و تشدید خواهد کرد. اصلاحات ارضی شاه، ساخت روستای ایران را (هرچند در ربحگشت خواست امپریالیست) در گروگان کرد، در حالی که اصلاحات ارضی اسلامی در روندت بدلی اصلاحات ارضی شاه (هد می هر جمله پشته گار رها در نال نمیکند. در مقاله ای اصلاحات ارضی شاه و اصلاحات ارضی خمینی باید به چند نکته مهم دیگر توجه داشت:

● اصلاحات شاه در روزه آراش و نیات رژیم صورت گرفت و در حالی که اصلاحات خمینی در موقاطی ترین و بی ثبات ترین وضع خاکمیت لرزان انجام میشود. و در این شرایط معمولاً اینگونه رژیم های پادشاهی ضد خود شدیل مضروب.

● اصلاحات ارضی شاه، خصوصاً برای خودمندی روستایی شد بد انجام راجون، او مالکها قبول کنید که اثرات ویرانگرانه ی آن در کشاورزی ایران حتی برای خود روستایان روشن شود. علاوه بر روستایان طبیب نیروها میساحی سیرکم و بیشتر در چار توهم شد بد. تنها اساسی رزمند ترین نیروها سیاسی یعنی دانشجویان هاروزد اسگاه شهران در آن با م اصلاحات ارضی آرن، در کتا سورن شاه نه بود. و طو اصلاحات ارضی خمینی یعنی لایحه ی نهایی اصلاحات ارضی شاه، با وجود تجربه ی شکست خورد می نسخه واصلی، بویژه برای روستایان حتی توهم زاسرسیانند. آسمم دیشرا یطقی که اکثریت بوده ها، کارگران و سایر ربحگشتکاران شهری نزد یک به سه حساب سرکوب، بگاری، گرانس، ویرانی و در یک کفه می لمانی مطلق رژیم در رحل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را

بخت سرگذرانته اند.

● اصلاحات رژیم شاه و بهنگام ایران و جیره ی نهی ش صورت گرفت و تصور سقوط آن در آجنسید من نزد یک

نمیرفته و جمله اهداف اصلاحات شاه، جلوگیری از نفخار های آیتدیه بود. در حالی که اصلاحات خمینی در ربحا ترین و بی ثبات ترین وضع آن میخواد انجام شود... در روزه ی کسه اکثریت بوده ها هرگونه توهمی را نسبت به رژیم از دست دادند و تئورها یا تقلای و تئوکرات، سرنگونی آنرا در دستور کار خود قرار دادند. این هدف اصلاحات خمینی نه آیتدیه ی دور بلکه آب باشند نیروی تشبیهای برافروخته شده میباشد. شد بد ترین و موری ترین خطرها اکنون زنده رها مقویه رژیم است نه از روستاها تا با وده و حتی انجام اصلاحاتی نیم بند نتوانند خود را از آن مصون دارند.

خلاصه اینکه با توجه به معیضی شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، رژیم جمهوری اسلامی حتی با اسام یا رفان اصلاحات رفیق و آسکی، نمیتواند خود را از سقوط محتوم نجات دهد. رژیم حنایتگرو ضد مردمی خمینی با انجام اصلاحات باید در آن محتوم به سرنگونی است و چه بنا حتی صورت آثار رفرمیهای وده دادند شد می خود را پیدا کند. این اصلاحات مثلا اگر در سال میل انجام شده بود، در روزه ی که اکثریت عظیم بود، ها و بسیاری زبیرها سیاسی نسبت به رژیم متوجه بودند، و محتوایست برای مدتی کم و بیش طولانی تر، عمر رژیم جمهوری اسلامی را تضمین کند. ولی با توجه به راهی که رژیم تا امروز طی کرده، و نه نقطه ای که اکنون رسیده است، صرف المثل "حلجورزا هر کجا بگیرد نفع است" برای نیات حکومت آخوندی، در گمضا و بدارد. اما محتات فعمی در انتخابات حکام اسلام با استحکام حکومت آخوندی، و سپس از اندازه به طول انجامد و خمینی در گرجشو در بیه اجنات، شوار چون شین در داد. در زمانی که قضا روید سرنگونی حکومت آخوندی و هد سیاست که برای امتداد است.

● برای اصلاحات ارضی و تقسیم املاک رزمنداران بزرگ و رکی روم معافیت روجانست مرتجع (خمینی) سرسرمه آوری، گنیاد گامی، همی، صلاقی و عوده و با با اصطلاح "اعلام شاه مردم" داد ربحی را قسه زین بود. خمینی در اعلامیه بیروزه، تمسب سول و رجاست اسلام اخبار عیدت! ارد، "عیدت! آنسرا اعزاز داشت:

"... دستگه معا بیره در مظهر اردن شاه و جمعی زبان و مرقه با تصویب و اجوا کند یعنی احکام سروریه اسلام" و فوآ را بریرا بگذا رده" (مشا بر اعلامیه رگسبات "حاجا گم ما رزات روجا نیورایان" صفحه ۹، ۱۰، ۱۱) عفا گلبنه شده است.



زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

اینهارا هم ببینید :

فریدون دانشی که رفت... (زندگینامه) کمی بلند HTM PDF کوتاه HTM

آخرین همسفر (منتخب اشعار) HTM PDF

نوشته های سیاسی نوشته های پراکنده (ترجمه ها) عکسها



